



## آموزش معلم، امر واجبی که مستحب شده است!

### طاہرہ رستگار

مؤلف کتاب‌های درسی و برگزارکننده کارگاه‌های ضمن خدمت

اگر شما هم معلم هستید، به احتمال زیاد با این معلم همدلی بسیار دارید. هدف این نوشته جست‌وجوی راه‌هایی است که بتواند به خواسته‌ی این معلم و معلمان بسیار دیگر پاسخ دهد. ببینیم انجام دادن این کار مهم به عهده‌ی چه کسی است.

**۱. وزارت آموزش و پرورش:** توانایی آموزش و پرورش در مقوله‌ی آموزش ضمن خدمت بسیار محدود است. علاوه بر این، نتایج این آموزش‌ها نتوانسته است مخاطبان آن را راضی کند، نیازهای آموزشی‌شان را برطرف سازد و به عبارتی، در کلاس درس منشأ تغییراتی شود. نگارنده در چند مورد با مسئولان آموزشی چند منطقه گفت‌وگو کرده است تا آنان را متقاعد کند که شرایط (نیروی مناسب و زمان کافی) را برای برگزاری کارگاه‌هایی با هدف ایجاد یک هسته‌ی مرکزی آموزش علوم تجربی در منطقه خود فراهم کنند اما متأسفانه موفق نبوده است. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد آنان آموزش معلم را وظیفه‌ی خود نمی‌دانند. با توجه به این واقعیت و محدودیت‌ها،

من یک معلم تازه کارم، دو سه سالی است که از دانشگاه فارغ‌التحصیل شده‌ام و آن قدر خوشبخت بوده‌ام که از آزمون ورودی حرفه‌ی معلمی هم به سلامت گذشته‌ام و اکنون معلم! خوشبختی دیگر من این است که رشته‌ی تحصیلی‌ام با موضوعی که تدریس می‌کنم، مرتبط است و از نظر دانش علمی و تخصصی مشکلی ندارم یا حداقل می‌دانم که نیازهای علمی‌ام را در این حوزه چگونه برطرف کنم، اما یک مشکل اصلی مدام مرا می‌آزارد. واقعیت این است که معلم خوبی نیستم. این حقیقت را هم احساس خودم به من می‌گوید و هم چالش‌ها و دشواری‌هایی که از ابعاد مختلف در کلاس با آن‌ها روبه‌رو شده‌ام. و اینجاست که دلم می‌خواهد با صدای بلند فریاد بزنم: «من می‌خواهم معلم بهتری شوم، نیاز من، به‌عنوان یک معلم، به آموزش ضمن خدمت حداقل به اندازه‌ی نیاز دانش‌آموزانم به آموزشی که قرار است به آن‌ها بدهم، ضروری است. شما را به خدا، مرا کمک کنید.»

به نظر می‌رسد که بهتر است معلمان برای رفع نیازهای آموزشی خود چاره دیگری ببینند.

**۲. مدیران مدارس:** در این سطح کار، مدیران بعضی از مدارس دولتی یا غیردولتی فعالیت‌های خوب و قابل توجهی انجام داده‌اند. برگزاری کارگاه‌های آموزشی در تابستان‌ها یا در طول سال گزینه خوبی برای رفع نیازهای آموزشی معلم است. من خود تجربه‌های خوبی از برگزاری کارگاه‌های آموزشی با معلمان مدارس غیردولتی و حتی دولتی مناطق محروم را دارم که مدیران علاقه‌مند و پیگیر آن‌ها شرایط مناسبی را برای برگزاری چندین کارگاه آموزشی در طول سال فراهم آورده‌اند. برای مثال، زمان این کارگاه‌ها مناسب و طی روز بوده است نه در بعدازظهرها که معلمان خسته‌اند و از آموزش بهره‌ای نمی‌برند. در نتیجه، معلمان برای شرکت فعال در کارگاه‌ها آماده و با انرژی بوده‌اند. برگزاری چنین کارگاه‌هایی در مدرسه دولتی معراج منطقه ده و چند مدرسه دولتی در تهرانسر از این نوع بوده است. به این ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که مدیران مدارس در آموزش ضمن خدمت معلمان، نقش مؤثری دارند.

**۳. معلم و خودآموزی:** احتمالاً همگان این تصور را که فرد فارغ‌التحصیل دانشگاه شرایط لازم برای ورود به حرفه معلمی را دارد، نادرست می‌دانند. با توجه به محدودیت‌هایی که در آموزش ضمن خدمت معلمان برشمرده‌ایم، متأسفانه چاره‌ای جز این نیست که هر معلم بخشی از آموزش ضمن خدمت خود را بر عهده بگیرد. به عبارتی، همان‌گونه که دانش‌آموز را مسئول یادگیری خود و معلم را تسهیلگر این فرایند یادگیری می‌دانیم، خود معلم را هم مسئول آموزش ضمن خدمت خود بدانیم که وظیفه یافتن تسهیل‌گر و کمک گرفتن هم به عهده خود اوست. وقتی معلم، خود را مسئول آموزش خویش بداند، به دنبال منابع مناسب می‌گردد. بدیهی است که این امر مهم به زمان و شرایط مناسب نیاز دارد. معلم باید به‌طور مداوم به دنبال منابعی باشد که توانایی‌های معلمی او را ارتقا دهند. به مثالی در این مورد توجه کنید.

مقوله ارزشیابی کیفی / توصیفی حدود ۱۵ سال است که به تدریج در دوره ابتدایی جایگزین ارزشیابی کمی شده است. کافی است در مدارس گشتی بزنید تا ببینید این تغییر به چه شیوه‌ای اجرا می‌شود و چگونه فریاد معلمان از افزایش حجم کار نوشته‌هایشان در آمده است. از طرف دیگر به نظر می‌رسد عده‌ای هم این شیوه ارزشیابی را باعث افت تحصیلی و کاهش رتبه ایران در سنجش‌های بین‌المللی، مثل تیمز و پرلز، قلمداد کرده‌اند.

بدیهی است توصیف نقاط قوت و ضعف یک دانش‌آموز و شیوه ارائه راهکارهایی برای بهبود و پیشرفت او بسیار با ارزش‌تر و مؤثرتر از نمره‌های کمی است، اما برای آنکه معلم بتواند وضعیت آموزشی دانش‌آموز را توصیف کند، باید به خوبی بداند که او چگونه یاد می‌گیرد و این خود به آموزش‌های مؤثر

ضمن خدمتی نیاز دارد که در گام اول او را به معلمی تبدیل کند که فرایند یادگیری دانش‌آموز را به خوبی می‌شناسد. احتمالاً یک مثال این واقعیت را روشن‌تر می‌کند. می‌دانید که صلاحیت افرادی برای دریافت گواهی‌نامه رانندگی توسط افسران راهنمایی رانندگی و با انجام دادن امتحان رانندگی تعیین می‌شود. حال اگر از فردا این افسران را مسئول آموزش رانندگی متقاضیان کنید، به نظر شما چند درصد آنان می‌دانند که فرایند یادگیری رانندگی چه چالش‌هایی دارد و می‌توانند از پس انجام این امر مهم برآیند؟ در مثال دیگر چند نفر می‌توانند به شما بگویند که دلیل پژمرده شدن گیاهان در باغچه شما چیست؟ مگر غیر از این است که باغبانی فوت و فن خاص خودش را دارد و هر کسی از عهده این کار مهم بر نمی‌آید.

به دنبال چند کارگاهی که با معلمان یک مدرسه دولتی در زمینه ارزشیابی توصیفی داشتیم و مشاهده دلخوری و خستگی آنان از نوشتن توصیف‌های کلیشه‌ای، شاهد بودم که آنان تصمیم گرفتند دیگر بازخورد ندهند؛ تا زمانی که از تأثیر بازخوردهایشان مطمئن باشند. اغلب آنان اظهار می‌کردند: «تا حالا هر چه بازخورد داده‌ایم، بی‌فایده بوده است و نادرست!» معلم یک مدرسه غیرانتفاعی می‌گفت: «پس از مطالعه یکی از منابع، (ارزشیابی توصیفی یعنی بازخورد مؤثر)، از خودم و بازخوردهایی که باید به دانش‌آموزان موفق می‌دادم و نداده بودم، آن‌قدر عصبانی بودم که کتاب را برای مدتی کنار گذاشتم تا درباره بازخوردهایم فکر کنم».

من خود به‌عنوان معلمی که از خودآموزی بیشترین کمک را در یادگیری فوت و فن حرفه معلمی دریافت کرده است، به شدت باور دارم که معلمی کردن به‌عنوان یک فرایند یادگیری مستمر، به طول مدت خدمت معلمی نیاز دارد. برای انجام دادن این وظیفه مهم، بیشترین انتظار را از خودتان، به‌عنوان یک معلم، داشته باشید. دیگران چندان به فکر شما نیستند، خودتان چاره کار را پیدا کنید.

### یک پیشنهاد

اگر باور کنیم که خودآموزی بهترین راه پیش روی معلمان است، برای آن که معلم بهتری شویم، نباید منتظر استاد و مدرس ماند. باید از تجربیات و دانش اساتید که در کتاب‌های مختلف رهنمودهای معلمی داده‌اند استفاده کرد. مجموعه‌ای از کتاب‌های مناسب در صفحه ۲ و ۳ جلد این شماره مجله مدرسه فردا آمده است.

**چاره‌ای جز این نیست که هر معلم بخشی از آموزش ضمن خدمت خود را بر عهده بگیرد. به عبارتی، همان‌گونه که دانش‌آموز را مسئول یادگیری خود و معلم را تسهیلگر این فرایند یادگیری می‌دانیم، معلم را هم مسئول آموزش ضمن خدمت خود بدانیم که وظیفه یافتن تسهیل‌گر و کمک گرفتن هم به عهده خود اوست**